



Live life!

زندگی کن!

داستانهای کوتاه و شگفت انگیز

مترجم و گردآور:

امیررضا آرمیون



فهرست:

- ۲ به تو زندگی دادم.....
- ۴ زندگی برای لحظه‌ی حال.....
- ۶ مبدا خودت را از یاد ببری.....
- ۱۰ کسی که کنارش خودِ خودم باشم.....
- ۱۲ رقص آرام.....
- ۱۸ بهترین لحظات زندگی از نگاه «چارلی چاپلین».....
- ۲۴ آرزوهایی که حرام شدند!.....
- ۳۶ ارزشمندترین وقایع زندگی.....
- ۳۲ آخیش! به به!.....
- ۳۶ می‌خواهم این ثبت شود؛ «دوستت دارم».....
- ۴۰ گوشی برای شنیدن.....
- ۴۲ آدم‌های بی‌نام، اما خاص.....
- ۴۶ خطر کنید!.....

- این انتخاب شماست که چطور زندگی کنید! ۹۰
- معنی زندگی چیست؟ ۹۸
- با هم ۱۰۲
- دارم؟ داشتم؟ یا باختم؟ ۱۰۴
- این قایق هم خالی است! ۱۰۶
- تا دیر نشده ۱۰۸
- لذت‌های کوچک زندگی ۱۱۰
- یک تصمیم درست ۱۱۴
- از هم دریغ نکنیم ۱۱۸
- لبخند بزن رفیق ۱۲۲
- اندکی آرامش ۱۲۴
- من یک سنت پیدا کردم ۱۲۸
- به پاس زیبایی عشق ۱۳۰
- اندکی فکر کن ۱۳۲

- روزمره‌گی، عین مُردنه! ۴۸
- مردم ۵۲
- گل و خار ۵۶
- یادش به خیر ۵۸
- رها کنید این با شتاب پیش رفتن را ۶۰
- فرشته‌ها ۶۲
- عالم بی‌ادعا ۶۶
- زندگی با بهترین عشق‌های دنیا ۶۸
- چند سال را احساس می‌کنی؟ ۷۲
- خدا همیشه به ما لبخند می‌زند ۷۴
- مهربانی ۷۸
- لحظه‌هایی که جا ماندیم ۸۰
- زندگی را باید زندگی کرد ۸۴
- دوست دارم دیوونه جون! ۸۶

۱۸۴ اصل ۹۰ به ۱۰
۱۹۴ زندگی فقط لحظه‌ها هستند
۱۹۸ سعادت ما در سعادت دیگران است
۲۰۰ خوشبختی
۲۰۴ احترام به خانواده
۲۰۸ آدم‌های واقعاً زیبا
۲۱۰ در زندگی‌تان به چه چیزهایی چسبیده‌اید؟
۲۱۲ مهربان‌تر زندگی کنیم
۲۱۴ دوستان امن
۲۱۸ این نیز می‌گذرد
۲۲۰ زیبا زندگی کن
۲۲۴ سخن پایانی

۱۳۶ چهل مورد از کم هزینه‌ترین لذت‌های دنیا
۱۴۲ بی‌توقع محبت کنیم
۱۴۴ شاید این آخرین خاطره از تو باشد
۱۴۶ زمانی که خوشبختی از ما گریخت
۱۴۸ قیمت یک روز زندگی چنده؟!
۱۵۶ برای یک زن
۱۵۸ نسخه‌ای برای هر روزمان
۱۶۰ من همیشه خوشحالم!
۱۶۲ قرار نبود
۱۶۸ راز خوشبختی
۱۷۴ وسعت نگاه
۱۷۶ دیوانه واقعی
۱۸۰ زندگی همان لحظاتی بود که
۱۸۲ همان‌طور که دلت می‌خواهد زندگی کن

به تو زندگی دادم...

به خدا گفتم: «به من همه چیز بده تا از زندگی لذت ببرم...»

خدا گفت: «به تو زندگی دادم تا از همه چیز لذت ببری...»

خوشبخت کسی است که بداند چگونه باید زندگی کند.

ویکتور پوشه

زندگی برای لحظه حال

از پیری فرزانه پرسیدند: «شما و شاگردانت چه می‌کنید؟»

او پاسخ داد: «می‌نشینیم، راه می‌رویم و غذا می‌خوریم.»

پرسشگر گفت: «اما هر کسی می‌نشیند، راه می‌رود و غذا می‌خورد!»

پیر دانا پاسخ داد: «وقتی ما می‌نشینیم، می‌دانیم که نشسته‌ایم، وقتی راه می‌رویم، می‌دانیم که راه می‌رویم و وقتی غذا می‌خوریم، می‌دانیم که غذا می‌خوریم. ما گمشدگان زمان‌های گذشته و آینده نیستیم! با تمرکز در زمان حال زندگی می‌کنیم.»

آنکه در لحظه حال زندگی می‌کند، جاودانه است.

لودویگ اشتاین